

بررسی تکاپوهای علمی عالمان بلخی در قرون سوم تا ششم هجری

* تهمینه رئیس‌السادات

** جواد عباسی

*** سید جلال رجایی

چکیده

جهان اسلام در قرون سوم تا ششم هجری دورانی از شکوفایی علمی و تمدنی را به همراه داشت. یکی از مباحث مهم در حیطه علم‌آموزی در قرون میانه ایران، توجه به سفرهای علمی دانشمندان است. در این پژوهش به بررسی سفرهای علمی تعدادی از عالمان بلخی در قرون سوم تا ششم هجری جهت فراگیری و یا تکمیل مباحث علمی پرداخته شده است. نوشتار حاضر به روش توصیفی - تحلیلی، این هدف را دنبال می‌کند تا مشخص نماید بیشترین سفرها از شهر بلخ به چه سرزمین‌هایی بوده و دلیل انتخاب این شهرها چه بوده است؟ اینکه دانشمندان در سفر به این شهرها به دنبال کسب کدام علم بوده‌اند نیز بسیار مهم است. سرزمین عراق (بغداد و بصره) و سوریه (شام و حلب) و حجاز و نیشابور بیشترین توجه را از نظر علمی به خود جلب کرده‌اند. وجود مراکز علمی از جمله مساجد جامع و نظامیه‌ها و کتابخانه‌های ارزشمند این سرزمین‌ها مهم‌ترین عوامل در جذب دانشمندان بوده است.

واژگان کلیدی

بلخ، رحله‌های علمی، فضای علمی قرون سوم تا ششم هجری، سفرهای علمی عالمان بلخ.

ta.raeessadat@gmail.com

abbasiiran@yahoo.com

sjrajai@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۱۸

*. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد.

** دانشجوی گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد. (نویسنده مسئول)

*** استادیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۹

طرح مسئله

در بحث از علم و علم‌آموزی در قرون میانه ایران و در دورانی که جهان اسلام از پایگاه علمی ویژه‌ای برخوردار بود، توجه به سفرهای علمی جهت تحصیل و یا تکمیل مباحث علمی، امری ضروری به‌شمار می‌آمد. این سفرها به توصیه اساتید هر درس برای دانشجویان در رشته‌های مختلف صورت می‌گرفت. دانشجویان، همراه با معرفی‌نامه‌ها، توصیه‌نامه‌ای از طرف اساتید خود جهت استفاده از امکانات آموزشی شهر دیگر، به این سرزمین‌ها فرستاده می‌شدند. برخی از این افراد به سرزمین اصلی خود بازمی‌گشتند و برخی در همان شهر ادامه زندگی داده و کرسی تدریس می‌یافتند.^۱ شهر بلخ یکی از شهرهای مهم در حیطه علمی - آموزشی قرون سوم تا ششم هجری بود، جایگاه علمی ویژه‌ای داشت. البته دانشمندان و عالمان بلخ نیز جهت تکمیل مباحث علمی خود، به سایر سرزمین‌های اسلامی مراجعت می‌کردند. حال این مسئله وجود دارد که سفرهای علمی عالمان شهر بلخ در این قرون به کدام سرزمین‌ها صورت می‌گرفته؟ و چه علومی را در این سفرهای علمی مدنظر داشته‌اند؟

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، شهر بلخ به‌عنوان یک شهر علمی در این دوران مطرح و بر طبق آنچه از منابع برای ما باقی مانده، دارای مراکز علمی و آموزشی بوده است.^۲ به نظر می‌رسد وجود امکانات آموزشی بهتر - از جمله مساجد جامع، به‌عنوان نهادهای آموزشی در این دوران - کتابخانه‌های بیشتر و متنوع در علوم مختلف - که گاه به همت عالمان و وزیران ایرانی در شهرهایی همچون عراق ساخته می‌شدند^۳ - و همچنین اساتید برجسته هر حوزه علمی، از جمله دلایل این سفرهای علمی توسط عالمان بلخ بوده است.

تاکنون، پژوهش مستقلی در حیطه رله‌های علمای بلخ انجام نشده است و صرفاً هر جا سخن از سفرهای علمی در کتب و پژوهش‌ها بیان گردیده، توضیحاتی کلی و یا بحث رله‌های حدیثی مورد توجه بوده است. در این موارد، اشاره نشده که در هر شهر چه تعداد از دانشمندان آن به سفرهای علمی رفته‌اند یا مقصد این سفرها چه شهرهایی بوده و یا اینکه درخصوص چه رشته‌هایی این سفرها انجام می‌شده است. نورالله کسایی در کتاب *فرهنگ نهادهای آموزشی ایران* در بخش کوچکی به بحث رله یا مسافرت‌های علمی پرداخته است. وی در کتاب خود تنها به ذکر چند نفر از دانشمندان

۱. غنیمه، *تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی*، ص ۲۷۳.

۲. واعظ بلخی، *فضایل بلخ*، صفحات مختلف؛ اشپولر، *تاریخ ایران اسلامی در قرون نخستین اسلامی*، ج ۲، ص ۲۴.

۳. همایون فرخ، *کتاب و کتابخانه‌های شاهنشاهی ایران (تاریخچه کتابخانه‌های ایران از صدر اسلام تا عصر کنونی)*، ج ۲، ص ۶.

اسلامی که به شهرها و سرزمین‌های مختلف رفته‌اند و مقصد آنها عراق بوده، بسنده کرده است. این کتاب که حدود زمانی آن از روزگار باستان تا تأسیس دولت صفوی را در برمی‌گیرد، بحث سفرهای علمی را به طور کلی مدنظر داشته و اطلاعاتی در مورد همه دانشمندانی که از شهرهای ایران به سفر رفته‌اند را به ما نمی‌دهد، البته جز تعداد معدود و مشهوری که در سایر منابع نیز وجود دارند، از جمله ابوعبدالله مقدسی، ابن‌منده اصفهانی، ابوعلی سینا و عبیدالله بن بختیشوع.^۱ کتاب دیگری که در مورد رله‌ها صحبت کرده است و بسیار ارزشمند است، کتاب *تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی* تألیف عبدالرحیم غنیمه است. اگرچه شاید هیچ کتابی به مانند آن از رله‌های علمی و توضیح در مورد جزئیات آن صحبت به‌میان نیاورده است، اما این کتاب نیز، صورت کلی از سفرهای علمی بیان کرده و آن‌چراکه منظور نظر این مقاله - یعنی سفرهای علمی بلخ - است، در خود نگنجانده است.^۲

در مورد مقالات نیز می‌توان به مقاله آتنا بهادری و محمدعلی مهدوی‌راد، تحت عنوان «جستاری در اهداف سفرهای حدیث‌پژوهی» در فصلنامه *علوم و قرآن و حدیث* در سال ۱۳۸۸ اشاره کرد که صرفاً بحث رله‌های حدیثی را مورد توجه قرار داده است. مقاله دیگر نوشته دکتر محمدرضا ثنایی با عنوان «رله‌های محدثان نیشابور در سده‌های ۳-۶ قمری» است که به رله‌های حدیثی در نیشابور پرداخته و این شهر را مدنظر داشته است. مقاله دیگر نوشته دکتر لقمان بایماتف و تحت عنوان «رله عصر سامانی» است که در فصلنامه *تاریخ پژوهی* در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسیده و در آن در خصوص تعدادی از دانشمندان شهرهای مختلف خراسان که به سفرهای علمی رفته‌اند، صحبت شده که فقط دو یا سه نفر از این عالمان، از دانشمندان شهر بلخ می‌باشند و بیشتر، در مورد سفرهای علمی به طور کلی صحبت شده است. این پژوهش با استفاده از منابع اصلی دوره مورد نظر به رشته تحریر درآمده است.

ابتدا مختصری درخصوص جایگاه مسجد - به‌عنوان مهم‌ترین مرکز علمی و آموزشی در قرون مورد نظر - بیان می‌شود و پس از آن به نقش نظامیه‌ها به‌عنوان مراکز علمی و آموزشی توجه می‌گردد. این دو مرکز از آنجاکه در مقاصد سفرهای علمی، جزو مهم‌ترین مراکز آموزشی بودند، در این پژوهش مورد اشاره قرار گرفتند. سپس مراکز علمی شهر بلخ در این دوران بررسی می‌شوند و جایگاه علمی این شهر در ابتدا به طور مختصر به رشته تحریر می‌آید. در ارتباط با سفرهای علمی، از بین حدود سیصد نفر از عالمان بررسی‌شده در قرون مورد نظر در شهر بلخ، پنجاه نفر از ایشان که به

۱. کسای، فرهنگ *نهادهای آموزشی ایران از روزگار باستان تا تأسیس دولت صفوی*، ص ۳۲۷.

۲. غنیمه، *تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی*، ص ۲۶۶.

سفر علمی رفته‌اند، با توجه به جدول و نمودار، تحلیل و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. پس از آن بیشترین و پرکاربردترین مراکز علمی شهرهای اسلامی که به آنها سفر انجام شده است، به‌طور مختصر معرفی شده‌اند.

۱. مسجد و نقش آن به‌عنوان مرکز آموزشی

مسجد یکی از فراگیرترین مراکز آموزشی جهان اسلام بود که در سرتاسر قلمرو اسلامی وجود داشت. مساجد، نخستین مراکز اجتماعات دینی و علمی برای مسلمانان به‌شمار می‌آمدند. به‌طور مثال مسجد مدینه از زمان رسول خدا ﷺ پایگاه علم و دانش قرار گرفت و در دوره‌های بعدی به حیات علمی خود ادامه داد. در عصر خلفای راشدین و پس از آن در دوره حکومت امویان، مساجد بزرگی که عنوان جامع داشتند، در مراکز بلاد اسلامی ساخته شدند که در این مساجد علاوه بر مسائل دینی و سیاسی، مسائل علمی نیز مطرح می‌گردید. مسجدالحرام در مکه، مسجدالنبی در مدینه، جامع فسطاط در مصر، مسجدالاقصی و قبةالصخره در بیت‌المقدس، جامع اموی در دمشق، جامع زیتونه در تونس و جامع قیروان در مراکش از مراکز مشهور آموزش اسلامی بوده است.^۱

علاوه بر خدمات اجتماعی و سیاسی که مسجد به مسلمانان ارائه می‌داد، نکته مهم، استفاده از مساجد در امر آموزش بود که به‌عنوان نخستین مرکز تعلیم و تربیت در تاریخ اسلام ظاهر شد و این وظیفه علاوه بر وظایف دینی و الهی، قرن‌ها ادامه یافت. در تاریخ اسلام از ابتدا، آموزش با مسجد در ارتباط بوده و مدرسه در اصل از مسجد منشعب شده است. چون آموزش در چند دهه اول آیین اسلام، مربوط به دستورات دینی بود و نیاز بود که مسلمانان با مفاهیم مذهبی آشنا شوند، لذا مساجد برای مقاصد عبادی بنا گردیدند و سپس برای انجام امور آموزشی نیز به‌کار گرفته شد. این آموزش، هم شامل مسائل عقیدتی و هم آموزش خواندن و نوشتن بود.^۲ پاره‌ای از مساجد، مجالس درس خود را تا قرن‌ها بعد از تأسیس نیز حفظ کردند و به این ترتیب حلقه‌های درس،^۳ زوایا و مجالس‌هایی در

۱. السباعی، نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۴.

۲. ثواقب، سیر آموزش در میان مسلمین، ص ۱۰۲.

۳. مسلمین شاگردانی را که دور استادی جمع می‌شدند و یکی از علوم را فرا می‌گرفتند، حلقه می‌نامیدند. چنان‌که برای یک علم، چندین حلقه تشکیل می‌شد و غالباً این حلقه‌ها به استاد مربوط به آنها نسبت داده می‌شد. مثلاً می‌گفتند حلقه ابواسحاق شیرازی (وفات ۴۸۵). (حلبی، تاریخ تمدن در اسلام، ص ۴۰۸) هسته مرکزی و اساسی آموزش مسجد را حلقه‌ها و دایره‌های درسی تشکیل می‌داد که در اسلام آنها را «حلقه العلم» یا دایره آموزشی می‌نامیدند. در حلقه‌های درس مساجد در قلمرو اسلامی علاوه بر قرآن و مسایل قرآن و حدیثی و فقهی و همچنین صرف و نحو عربی، ادبیات عرب و مطالعات ادبی، مورد بحث و تدریس قرار می‌گرفت. مطالب علمی و مسایل اجتماعی،

مساجد به وجود آمد. این کانون‌های علمی - آموزشی همگانی، کم‌کم به صورت مجلس بزرگ وعظ و خطابه برای ارشاد و راهنمایی مردم درآمدند و خاصیت آموزشی و علمی خود را تا به امروز حفظ کردند.^۱

۲. نظامیه‌ها

از دیگر مراکز علمی مهم و مشهور دوره اسلامی، نظامیه‌ها بودند. در نیمه دوم سده پنجم هجری، خواجه نظام‌الملک با ساختن مدارس در بغداد - در سال ۴۵۹ ق - نیشابور، اصفهان، بصره، هرات و بلخ، این نظامیه‌ها را پدید آورد.^۲ «خواجه نظام‌الملک چند مدرسه ساخت در اقطار ممالک بغداد و بصره و اصفهان و هرات. مسجد و رباط ساخت و آن را وقف کرد و در اکثر اوقات از نظامیه، فضلا به اقطار ممالک روند.»^۳ این مدارس به مانند دارالعلم و دانشگاه‌های امروزی بودند. جوانان تحصیل کرده به این نظامیه‌ها می‌رفتند و عالی‌ترین علوم زمان خود را فرا می‌گرفتند. آنها در این مدارس از عایداتی مانند اسکان، خوراک و پوشاک هم بهره‌مند می‌شدند. نظام‌الملک برای مدارس نظامیه، وقفیاتی از جمله دهات و بازار و گرمابه و مستقالات دیگر در نظر گرفته بود و از درآمد آن، مخارج مدرسه و حقوق مدرسین و کارکنان دیگر از قبیل معیدان و واعظان و کتابداران، پرداخته می‌شد^۴ و البته بیشتر، مدنظر وی حضور شافعیان در این مدارس بودند.^۵

به نظر می‌رسد وی نخستین کسی بود که رسم برقرار کردن مدد معاش برای طلاب مدارس و مقرری برای مدرسان را متداول کرد. وی با مقرراتی که برای این مدارس وضع نمود، برنامه منظم و مدونی برای دانشجویان فراهم آورد. دروسی که در نظامیه مورد توجه بود شامل: قرآن، حدیث، اصول و فقه - بنا بر مذهب شافعی - زبان و ادبیات عرب، ریاضیات و قوانین ارث می‌شد. خواجه نظام‌الملک با علما و عرفا و مدرسین، با کمال احترام مذاکره می‌کرد. بزرگ‌ترین علمای هم‌عصر وی

موضوعات تاریخ و جغرافیا و اقتصاد و حتی علوم سیاسی در مسجد مورد بحث قرار می‌گرفت. علم فلسفه نیز مورد توجه دانشجویان بود. در بین موضوعات مهم درسی می‌توان منطق و اخلاق و تصوف را نام برد. دانشجویان از شهرهای مختلف به این کلاس‌ها حاضر می‌شدند. این علاقه موجب افزایش سفرهای علمی در میان مسلمانان گشت. (شلی، تاریخ آموزش در اسلام، ص ۹۷ - ۹۶؛ السباعی، نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۷۰)

۱. راوندی، سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا، ص ۱۳.

۲. کسایی، فرهنگ نهادهای آموزشی ایران از روزگار باستان تا تأسیس دولت صفوی، ص ۴۳۲ - ۴۳۳؛ کسایی، مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، ص ۶۹.

۳. نخجوانی، تجارب السلف، ص ۲۳۶.

۴. ایمانیه، تاریخ فرهنگ اصفهان، ص ۵۶.

۵. فروزانی، سلجوقیان از آغاز تا فرجام، ص ۳۸۰؛ کسایی، مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، ص ۷۶.

همچون شیخ ابواسحاق شیرازی و امام محمد غزالی در مدرسه نظامیه نیشابور و رشیدالدین وطواط در نظامیه بلخ تحصیل می‌کردند.^۱

رحله‌های علمی در تاریخ تمدن اسلامی

مطالب علمی که در مساجد بحث می‌شد، باعث شد تا دانشجویان برای تحصیل یا تکمیل مباحث علمی، به شهرهای مختلف سرزمین‌های اسلامی سفر کنند و به فراگیری علوم موردنظر خود بپردازند. سفرهای علمی امری نیست که مربوط به جامعه آکادمیک امروزی باشد بلکه در گذشته نیز برای تکمیل مباحث علمی از محضر اساتید و یا استفاده از امکانات علمی سایر مراکز و نهادهای علمی، این امر صورت می‌گرفت. رحله، وسیله خوبی برای ارتباط با بسیاری از دانشمندان بود. معمولاً دانشجویان پس از آنکه از استادان بومی، دروس را می‌آموختند، زادگاهشان را ترک می‌گفتند. آنها به دسته‌ای از دانشجویان یا گروه حج‌گزاران یا کاروان تاجران می‌پیوستند. پیوستن به بسیاری از دانشگاه‌ها و برخورداری از کمک‌ها و علوم این مراکز، مشروط به هیچ‌یک از قیود و شروطی نبود که در مقررات ورودی و برنامه‌های معمول تحصیلی در دانشگاه‌های جدید وضع شده است و کافی بود که طالب علم، استاد مورد نظر خود را در رشته علمی خود بیابد و راهی مجلس درس او گردد. ابن بطوطه در خلال سفرهای خویش، بهره علمی هم می‌برد. وی در جامع اموی شام، به سماع صحیح بخاری پرداخت و از برخی دانشمندان آن دیار اجازه روایت گرفت.^۲ از مزیت‌های سفرها و رحله‌های علمی آن بود که به دانشجویان امکان می‌داد تا از استادان پیش‌تر و برجسته مراکز علمی دیگر بهره‌مند شوند. با بررسی در خصوص وضعیت آموزشی طالبان علم حدیث در دوره مورد نظر و در شهرهای این حوزه، این مطلب حاصل شد که سفرهای علمی بیشتر برای تکمیل یا فراگیری علم حدیث انجام می‌شده، هرچند در برخی موارد برای فراگیری دیگر دانش‌ها هم انجام می‌گرفته است. به نظر می‌رسد که پیشرفت در حدیث، بیش از پیشرفت در علوم دیگر به رحله وابسته بوده است. در این میان باید توجه داشت که رحله‌های علمی، به‌خاطر سفرهای طولانی مدت آن، نیاز به تأمین هزینه‌هایی داشته است و نشان از تمکن مالی دانشجویانی بوده که به این سفرها می‌رفته‌اند، لذا همگان نمی‌توانستند از آن بهره‌مند شوند.

۱. لمبتون، ساختار درونی امپراتوری سلجوقی، تاریخ ایران کمبریج از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، ج ۵، ص ۲۱۳.

۲. غنیمه، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ص ۲۷۳؛ ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ج ۱، ص ۶۵.

رحله برای حدیث و یا دیگر رشته‌های علمی، به دلیل وجود مراکز علمی، مساجد و کتابخانه‌ها، بیشتر به شهرهای بغداد، بصره، حجاز، قاهره و دمشق بوده است. یعقوبی و ابن جبر - مورخان مشهور - از تعداد بسیار زیادی مسجد در بغداد، بصره و شهرهای مصر گزارش می‌دهند.^۱ اگرچه این تعداد مسجد در یک شهر و در زمان مورد نظر، دور از واقعیت است اما در هر حال وجود مساجد بسیار به عنوان مراکز علمی در این شهرها، جذب دانشجویان و دانشمندان رشته‌های مختلف علمی را از شهرهای مختلف سرزمین‌های اسلامی به دنبال داشته است. ایرانیان - از جمله سلاطین و حاکمان ایرانی آل بویه و همچنین سلجوقیان - نیز در مدت زمامداری خود، به تأسیس این مراکز علمی و آموزشی در خارج از ایران از جمله در عراق و بخصوص بغداد همت گماشتند و کتابخانه‌های متعددی برای پژوهش تأسیس کردند.

در این قسمت برای روشن شدن وضعیت علمی و آموزشی شهر بلخ، ابتدا مراکز آموزشی این شهر مشخص می‌شود و در ادامه از بین حدود سیصد دانشمند در قرون سوم تا ششم هجری در شهر بلخ، پنجاه نفر از ایشان که به سفرهای علمی رفته‌اند، در جدولی به همراه تألیفاتشان، بررسی شده و سپس در نمودارهایی، سرزمین‌هایی که بیشترین دانشجویان در آنها جهت فعالیت‌های علمی گرد هم می‌آمدند، یادداشت شده است.

مراکز آموزشی شهر بلخ:

مسجد جامع بلخ: همان‌طور که اشاره شد، یکی از مهم‌ترین بناهای علمی و آموزشی در قرون نخستین اسلامی، مساجد هستند. مسجد جامع بلخ از مساجدی است که اصطخری، ابن حوقل، بیهقی و دیگر مورخان به آن اشاره داشته‌اند.^۲ این مسجد کهن‌ترین مسجد بلخ است و اشاره شده که مسجد جامع بلخ در سال ۲۴۵ هجری توسط داود بن عباس هاشم ماهرور احداث شده است.^۳

- مسجد مقنع یا مسجد مومک: این مسجد در قرن سوم احداث گردیده است.^۴

- مسجد شرف‌الدین.^۵

۱. السباعی، تاریخ کتابخانه‌های مساجد، ص ۲۳.

۲. اصطخری، المسالک و الممالک، ص ۲۱۷؛ ابن حوقل، صورة الارض، ج ۲، ص ۴۴۸؛ بیهقی، تاریخ بیهقی، ص ۲۹۰.

۳. واعظ بلخی، فضایل بلخ، ص ۲۰.

۴. واعظ بلخی، فضایل بلخ، ۲۰۷.

۵. همان، ۳۵۱؛ روحی میرآبادی، «نهادهای آموزشی در خراسان عصر سلجوقی»، مجله فقه و تاریخ تمدن ملل اسلامی، ش ۲۰۱، ۱۳۸۲، ص ۷۶.

– مسجد مقبری بلخ.^۱

– مسجد نه گنبدان (کعب الاخبار – خواجه پیاده‌ها – حاجی پیاده): این مسجد در دوره محمود غزنوی در بلخ ساخته شده و شیخ الاسلام مذکور در آن به درس و بحث می‌پرداخته است.^۲

– مسجد چشمه شفا.^۳

– مدرسه زندان: قدیمی‌ترین مدرسه‌ای که از آن ذکر به میان آمده است، مدرسه‌ای است که به نام مدرسه زندان خوانده‌اند.^۴

– مدرسه مسجد جامع غزنه: سلطان محمود در کنار مسجد جامع غزنه، مدرسه‌ای را بنیان نهاد و برای اداره آن، دهات و مستقرات فراوانی را وقف کرد.^۵

– مدرسه خلیبه: مدرسه خلیبه که به نام قاضی القضاة خلیل بن احمد بن اسماعیل شجری، متوفی ۴۸۱ هجری نامگذاری شده است.^۶

– نظامیه بلخ: از نظامیه بلخ جز معدودی معید و مدرس و دانشجو اطلاع دیگری در دست نیست. بدون شک شهر بلخ در کشمکش‌های اواخر دوره سلجوقی و تاخت‌وتاز ترکمانان غز در سال ۵۴۸ قمری و سپس در زمان هجوم مغولان، آسیب فراوان دید. این امر، بلخ را به کلی خراب و خالی از سکنه نموده و آن را به حالتی انداخته که تا یک قرن پس از آن، به هنگام دیدار ابن بطوطه، ویرانه‌ای بیش نبوده است و این جهانگرد تنها از آثار و خرابه‌های مساجد و مدارس معظم آن یاد کرده است.^۷

در بررسی این قسمت مشخص شد که شهر بلخ در قرون مختلف، دارای مراکز آموزشی بوده و از جایگاه علمی برخوردار بوده است که مهم‌ترین آنها مساجد و مدرسه نظامیه بلخ می‌باشد. در ذیل، عالمانی که به سفرهای علمی رفته‌اند، به همراه زمان حیات و وفات، رشته علمی، تألیفات و سفرهای علمی‌شان، بررسی شده و سپس در نمودارهایی، سرزمین‌هایی که بیشترین دانشمندان در آنها جهت فعالیتهای علمی گرد هم می‌آمدند، یادداشت شده است.

۱. واعظ بلخی، فضایل بلخ، ص ۲۷.

۲. همان، ص ۳۲۰؛ اشپولر، تاریخ ایران اسلامی در قرون نخستین اسلامی، ج ۲، ص ۲۴؛ باقی‌زاده، نقد و بازخوانی کتاب خراسان بزرگ: تاریخ، جغرافیا، باستان‌شناسی و فرهنگ مادی (مطالعاتی در تاریخ و فرهنگ خاورمیانه)، ص ۲۰۲.

۳. محمد خلیق، ساحه‌های باستانی و بناهای تاریخی بلخ، ص ۱۶۱؛ عظیمی، آشنایی با بناهای تاریخی افغانستان، ص ۹۰.

۴. واعظ بلخی، فضایل بلخ، ص ۳۶.

۵. عتبی، تاریخ یمینی، ص ۳۸۸.

۶. واعظ بلخی، فضایل بلخ، ص ۳۳۳.

۷. ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ج ۱، ص ۴۶۱.

- عبدالصمد بن حسان مروودی (مرغابی):^۱ قرن ۳، وفات ۲۱۱، حدیث، وی به هرات و نیشابور سفر کرده بود.

- عبدالصمد بن سلیمان ابی‌مطر عتکی بلخی:^۲ قرن ۳، وفات ۲۴۶، فقه و حدیث، وی به جهت تدریس حدیث، به نیشابور رفت.

- حسن بن جنید بن ابی جعفر بلخی:^۳ قرن ۳، وفات ۲۴۷، حدیث، وی به بغداد سفر کرد.

- عبدالله بن محمد بن سوره بن محمد بن ابراهیم بلخی:^۴ قرن ۳، وفات ۲۵۸، حدیث، جهت تدریس حدیث به بغداد، رحله داشته است.

- عبدالله بن محمد بن علی بن جعفر بلخی:^۵ قرن ۳، وفات ۲۵۸، حدیث، جهت تدریس حدیث به بغداد، سفر داشته است.

- عقیان بن مخلد بلخی:^۶ قرن ۳، وفات ۲۲۶، حدیث، برای تحصیلات خود به بغداد رفت و ۲۶ سال در آنجا حدیث تدریس می‌کرد.

- عمر بن مدرک بلخی رازی:^۷ قرن ۳، وفات ۲۷۰، حدیث، او برای یادگیری علم حدیث به شهرهای بخارا، سمرقند، نیشابور، ری، بغداد، شام و حجاز سفر کرد.

- عمر بن نوح بن خلف بن محمد بن خصیب بلخی بُندار:^۸ قرن ۳ و ۴، تولد ۲۷۷، حدیث، او برای فراگیری علم حدیث به بغداد رفت.

- عبدالمتعال بن طالب انصاری ظفری:^۹ قرن ۳، وفات ۲۴۶، حدیث، وی برای یادگیری و تدریس

۱. الذهبی، *تاریخ اسلام و وفیات و مشاهیر و الاعلام*، ج ۱۴، ص ۲۳۷ - ۲۳۶: *العسقلانی، لسان المیزان*، ج ۴، ص ۲۰؛ الذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۷، ص ۲۷۳.

۲. العسقلانی، *تهذیب التهذیب*، ج ۵، ص ۲۲۸؛ الذهبی، *تاریخ اسلام و وفیات و مشاهیر و الاعلام*، ج ۱۸، ص ۳۳۳.

۳. الخطیب بغدادی، *تاریخ بغداد او مدینه السلام*، ج ۷، ص ۲۹۲: *العسقلانی، تهذیب التهذیب*، ج ۲، ص ۳۳۲؛ الذهبی، *تاریخ اسلام و وفیات و مشاهیر و الاعلام*، ج ۱۸، ص ۲۲۲.

۴. الخطیب بغدادی، *تاریخ بغداد او مدینه السلام*، ج ۱۰، ص ۸۰؛ الذهبی، *تاریخ اسلام و وفیات و مشاهیر و الاعلام*، ج ۱۹، ص ۱۸۶؛ الذهبی، *تاریخ اسلام و وفیات و مشاهیر و الاعلام*، ج ۱۴، ص ۵۲۵.

۵. الخطیب بغدادی، *تاریخ بغداد او مدینه السلام*، ج ۱۰، ص ۹۳؛ *السیوطی، طبقات الحفاظ*، ج ۱، ص ۲۹۹ و ۳۰۰.

۶. الخطیب بغدادی، *تاریخ بغداد او مدینه السلام*، ج ۱۲، ص ۲۷۷؛ الذهبی، *تاریخ اسلام و وفیات و مشاهیر و الاعلام*، ج ۱۶، ص ۲۷۸.

۷. الذهبی، *دیوان الضعفا و المتروکین*، ج ۱، ص ۲۱۷.

۸. الخطیب بغدادی، *تاریخ بغداد او مدینه السلام*، ج ۱۱، ص ۱۸۲ و ۲۵۵.

۹. التمیمی الحنظلی الرازی، *الجرح و التعذیل*، ج ۶، ص ۶۸؛ الذهبی، *تاریخ اسلام و وفیات و مشاهیر و الاعلام*، ج ۲۲، ص ۱۰۰ - ۹۹.

حدیث به بغداد سفر کرد.

- قتیبه بن سعید بن جمیل بغلانی: ^۱ قرن ۳، وفات ۲۴۰، حدیث، وی رحله به شهرهای مدینه، مکه، عراق و شام داشته است.

- حامد بن یحیی بن هانی بلخی: ^۲ قرن ۳، وفات ۲۴۲، حدیث، وی به حجاز، بیت المقدس و شام سفر کرد.

- ابومعشر بلخی جعفر بن محمد بن عمر: ^۳ قرن ۳، وفات ۲۷۲، منجم، بزرگ‌ترین نماینده نجوم‌شناسی ایران در این دوران بوده است. سفر علمی به عراق داشته و رئیس‌المنجمین در دارالخلافه معتز عباسی بوده است.

کتاب‌های او: *المدخل الكبير في الزيج و علم النجوم الالوف في بيوت العبادات*.

- ابو عبدالله محمد بن سلمه: ^۴ قرن ۳، وفات ۲۷۸، حدیث، برای درس حدیث، به بصره سفر کرد.

- حسن بن شجاع رجاء بلخی: ^۵ قرن ۳، وفات ۲۴۴، حدیث، وی رحله به عراق، شام و مصر داشته است.

- احمد بن ابراهیم بن ملحان بلخی: ^۶ قرن ۳، وفات ۲۹۷، حدیث، وی به بغداد رفت.

- احمد بن رجاء بن سعید فریابی: ^۷ قرن ۳، وفات ۲۶۵، حدیث، وی به بغداد سفر کرد.

- احمد بن محمد بن حسن بلخی ذهبی: ^۸ قرن ۴، وفات ۳۱۴، حدیث، وی رحله به نیشابور داشته است.

- عبدالله بن معمر بن عمر کی بلخی: ^۹ قرن ۴، وفات ۳۱۷، حدیث، رحله به بغداد داشت و در آنجا

به تدریس حدیث پرداخت.

- عبدالواحد بن محمد بن احمد بن مسرور بلخی: ^{۱۰} قرن ۴، وفات ۳۷۸، حدیث، وی برای گردآوری

حدیث به بغداد، شام و مصر رفت.

۱. العسقلانی، *تهذیب التهذیب*، ج ۶ ص ۴۸۸؛ الخطیب بغدادی، *تاریخ بغداد او مدینه السلام*، ج ۱۲، ص ۴۶۴؛ واعظ بلخی، *فضایل بلخ*، ص ۲۳۱.

۲. الحسینی، *تهذیب الکمال فی اسماء الرجال*، ج ۴، ص ۸۹؛ الذهبی، *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*، ج ۲، ص ۴۷۹.

۳. تقی‌زاده، «تاریخ علوم در اسلام»، *مجله مقالات و بررسی‌ها*، شماره ۳ و ۴، ص ۲۰۹.

۴. واعظ بلخی، *فضایل بلخ*، ص ۲۵۷.

۵. الذهبی، *تاریخ اسلام و وفیات و مشاهیر الاعلام*، ج ۱۸، ص ۲۲۸؛ السیوطی، *طبقات الحفاظ*، ج ۳، ص ۲۳۸؛ العسقلانی، *تهذیب التهذیب*، ج ۲، ص ۲۸۳.

۶. الخطیب بغدادی، *تاریخ بغداد او مدینه السلام*، ج ۴، ص ۱۰۲؛ الذهبی، *تاریخ اسلام*، ج ۲۱، ص ۵۰.

۷. الخطیب بغدادی، *تاریخ بغداد او مدینه السلام*، ج ۴، ص ۱۵۷.

۸. الحاکم نیشابوری، *تاریخ نیشابور*، ص ۱۱۱؛ الذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۱۴، ص ۴۶۲؛ الذهبی، *تذکره الحفاظ*، ج ۳، ص ۸۰۰.

۹. الخطیب بغدادی، *تاریخ بغداد او مدینه السلام*، ج ۱۰، ص ۱۸۰.

۱۰. السیوطی، *طبقات الحفاظ*، ج ۱، ص ۳۹۸؛ الذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۱۶، ص ۴۲۲ و ۵۱۲.

- عبدالرحمن بن محمد بن حامد بن متویه زاهد بلخی: ^۱ قرن ۴، وفات ۳۵۵، حدیث، رحله به نیشابور و بغداد داشت و در آنجا تدریس حدیث کرد.

- علی بن فضل بن طاهر بلخی: ^۲ قرن ۴، وفات ۳۵۵، حدیث، رحله به نیشابور و بغداد داشت و در آنجا تدریس حدیث کرد.

محمد بن احمد بن یوسف بلخی: ^۳ قرن ۴، وفات ۳۸۷، حدیث، کتاب *مفاتیح العلوم* از تألیفات او است. وی از بلخ به خوارزم رفت و در آن شهر سکنی گزید و به همین مناسبت به خوارزمی شهرت یافت.

- عبدالله بن احمد بن عبدالله معروف به ابن بلخی: ^۴ قرن ۴، وفات ۳۷۰، حدیث، وی به سفر علمی بغداد رفت.

- ابوزید احمد بن سهل بلخی: ^۵ قرن ۴، وفات ۳۲۲، تاریخ و جغرافیا و فلسفه طب و ریاضی و نجوم و علوم قرآنی و لغت و صرف و نحو، وی رحله به عراق داشت و لقب جاحظ خراسان داشته است.

کتابهای او: *اقسام العلوم، اختیارات السیر، شرایع الادیان، السیاسة الکبیر، السیاسة الصغیر، اکمال الدین، فضل صناعة الکتابه، مصالح الابدان و الانفس، اسماء الله و صفاته، کتاب صناعة الشعر، فضیلة علم الاخبار، الاسماء و الکنی و الالقاب، اسماء الاشیاء، النحو و التصریف، الصورة و المصدر، رساله فی الحدود الفلسفه، کتاب ما یصح من احکام النجوم، الرد علی عبده الاوثان، فضیلة علوم الرياضیات، کتاب فی اقسام علوم الفلسفه، کتاب القرابین و الذبایح، کتاب عصمة الانبیاء، نظم قرآن و قوارع القرآن.*

جعفر بن محمد بن حسن بن مستفاض فریابی: ^۶ قرن ۴، وفات ۳۰۱، حدیث،

کتابهای او: *کتاب السنن، کتاب مناقب ابن مالک، کتاب صفه النفاق و دم المنافقین، الرساله، کتاب الرحله، الفضل الذکر.*

وی سفر علمی به مصر، ماوراءالنهر، خراسان، عراق، حجاز، شام و جزیره داشت.

۱. الذهبی، *تاریخ اسلام و وفیات و مشاهیر و الاعلام*، ج ۲۶، ص ۱۲۲؛ ابن اثیر، *اللباب فی التهذیب الأنساب*، ج ۲، ص ۳۰؛ الخطیب بغدادی، *تاریخ بغداد او مدینه السلام*، ج ۱۰، ص ۲۹۴.

۲. الخطیب بغدادی، *تاریخ بغداد او مدینه السلام*، ج ۴، ص ۴۰۱؛ الذهبی، *تذکره الحفاظ*، ج ۳، ص ۸۷۱؛ الذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۱۵، ص ۶۹؛ السیوطی، *طبقات الحفاظ*، ج ۳، ص ۳۴۷.

۳. کاتب خوارزمی، *مفاتیح العلوم*، ص ۱۶.

۴. واعظ بلخی، *فضایل بلخ*، ص ۳۱۰؛ الخطیب بغدادی، *تاریخ بغداد او مدینه السلام*، ج ۱۰، ص ۲۵۵.

۵. واعظ بلخی، *فضایل بلخ*، ص ۵۴؛ ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۲۲۸.

۶. الذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۱۴، ص ۹۶؛ الخطیب بغدادی، *تاریخ بغداد او مدینه السلام*، ج ۷، ص ۱۹۹ و ۲۰۲؛ ابن اثیر، *اللباب فی التهذیب الأنساب*، ج ۲، ص ۲۱۱؛ السیوطی، *طبقات الحفاظ*، ج ۱، ص ۳۰۲ - ۳۰۱.

- محمدبن اسماعیل بلخی^۱: قرن ۵، وفات ۴۹۲، حدیث، وی به بغداد رفت و در آنجا به تدریس حدیث پرداخت.

- ابومعین ناصر بن خسرو علوی که تخلص حجت داشته است: ^۲ قرن ۵، وفات ۴۸۱،

کتاب‌های او: *شعر و ادبیات*، *دیوان اشعار* شامل دوازده هزار بیت، *سفرنامه* وی حاوی مسایل اجتماعی و دینی و سیاسی آسیای صغیر و مصر در زمان مؤلف است. دیوانی به نام *روشنایی‌نامه* از جهتی مربوط به آفرینش و از جهت دیگر مربوط به اخلاقیات است، *مثنوی سعادت‌نامه*، *جامع‌الحکمتین*، *کتاب زاد‌المسافرین* در حکمت نوشته شده است، کتاب *وجه‌الدین* در ذکر عقاید مذهب اسماعیلیه نوشته شده است.

وی برای یادگیری علوم نجوم، فیزیک، هندسه، طب، موسیقی، منطق، فلسفه به هندوستان، مکه، سوریه، فلسطین و مصر رحله داشته است.

- عبدالرحمن بن محمد بن جعفر فیروز نَججیری: ^۳ قرن ۵، وفات ۴۳۲، حدیث و فقه، به عراق و شام جهت فراگیری حدیث سفر داشته است.

- ابوعلی الحسن بن علی بن محمد بن احمد بن جعفر الوخشی: ^۴ قرن ۵، وفات ۴۷۱، حدیث، به شام و عرق و مصر رفت. سپس به بلخ بازگشت و نظام‌الملک مدرسه تدریس حدیث را برای او ساخت.

- علی بن احمد بن محمد بن اسحاق بن ابراهیم ترکانی بخاری: ^۵ قرن ۵، وفات ۴۰۹، حدیث، به بسیاری از شهرهای ماوراءالنهر از جمله بخارا، برای فراگیری حدیث سفر کرد.

- حسن بن احمد بن محمد بلخی: ^۶ قرن ۵، وفات ۴۳۰، حدیث، وی رحله به حجاز، بیت‌المقدس، بغداد و شام داشته است.

- ابوعلی سینای بلخی: ^۷ قرن ۵، وفات ۴۴۸، شاعر،

کتاب‌های او: *کتاب هدایه و رساله حی بن یقظان و کتاب قولنج*، *کتاب شفا*.

وی در همدان کتاب‌هایش را تألیف کرد و در زمان شمس‌الدوله بویه‌ای به اصفهان رفت و کتاب

۱. الخطیب بغدادی، *تاریخ بغداد او مدینه السلام*، ج ۲، ص ۵۵.
۲. نفیسی، *نظم و نثر در ایران تا پایان قرن دهم*، ج ۱، ص ۵۸.
۳. ابن اثیر، *اللباب فی التهذیب الأنساب*، ج ۲، ص ۱۳۲.
۴. همان، ج ۳، ص ۲۶۴؛ واعظ بلخی، *فضایل بلخ*، ص ۳۲۶.
۵. ابن اثیر، *اللباب فی التهذیب الأنساب*، ج ۱، ص ۱۷۳.
۶. الخطیب بغدادی، *تاریخ بغداد او مدینه السلام*، ج ۷، ص ۲۸۰.
۷. هدایت، *گلزار جاویدان*، ج ۱، ص ۶۰.

حکمت علایی را به نام علاءالدوله کاکویه نوشت.

- علی بن حسن بن محمد بن جعفر بلخی: ^۱ قرن ۶، وفات ۵۴۸، فقه و اصول، معروف به برهان بلخی. وی از نخستین کسانی است که در مدارس شام چون حلاویه، طرخانیه، خاتونیه، امینیه و صادریه تدریس کرده است.

- حسن بن حسین خوستی فراء تخارستانی: ^۲ قرن ۶، وفات ۵۱۸، حدیث، سفر علمی به سمرقند داشته است.

- محمد بن ابوبکر بن احمد بن خلف بن انور بلخی: ^۳ قرن ۷، وفات ۶۵۲، حدیث، سفر به قاهره و اسکندریه مصر داشته است.

- حسن بن سوار خراسانی بغوی مروودی: ^۴ قرن ۳، وفات ۲۱۶، حدیث، برای زیارت به حجاز رفت و سپس برای فراگیری حدیث به بغداد سفر کرد.

- حسن بن طیب بن حمزه بن حماد شجاعی بلخی: ^۵ قرن ۴، وفات ۳۰۷، محدث و از رجال برجسته شیعه امامیه بود. وی به حجاز و بغداد سفر علمی داشته است.

- ابوالنجم احمد بن عوض بن احمد منوچهری دامغانی: ^۶ قرن ۵، وفات ۴۳۲، شاعر، دیوان شعر داشته است، وی از بزرگترین شعرای ایران به شما می‌رفته و به اصفهان و ری سفر داشته است. وی در ۴۲۶ هجری به غزنه آمده است.

- ابوالخیر بن خمار غزنوی: ^۷ قرن ۵، وفات ۴۲۱، طب، وی طبیب فلسفه و مترجم سریانی به عربی بود که در دربار سلطان محمود غزنوی می‌زیست. رحله به بغداد داشت و از جراحان بزرگ بیمارستان عضدالدوله در بغداد بود.

کتاب‌های او: *الوفاق بین آراء الفلاسفة و النصارى، مقالة فی التوحید و التثلیث، مقالة فی الصدیق و الصداقه، مقالة فی السعاده، مقالة فی الاخلاق، مقالة فی الصرع، کتاب دیابطا.*

۱. الذهبی، *دول الاسلام*، ص ۴۶

۲. ابن اثیر، *اللباب فی التهذیب الأنساب*، ج ۱، ص ۳۹۴.

۳. السمعانی التمیمی، *التحییر فی المعجم الکبیر*، ج ۲، ص ۲۶.

۴. الحسینی، *تهذیب الکمال فی اسماء الرجال*، ج ۴، ص ۳۴۴؛ الذهبی، *تاریخ اسلام و وفیات و مشاهیر الاعلام*، ج ۱۶، ص ۱۱۵.

۵. الخطیب بغدادی، *تاریخ بغداد او مدینه السلام*، ج ۷، ص ۳۳۳؛ الذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۱۴، ص ۲۶۰.

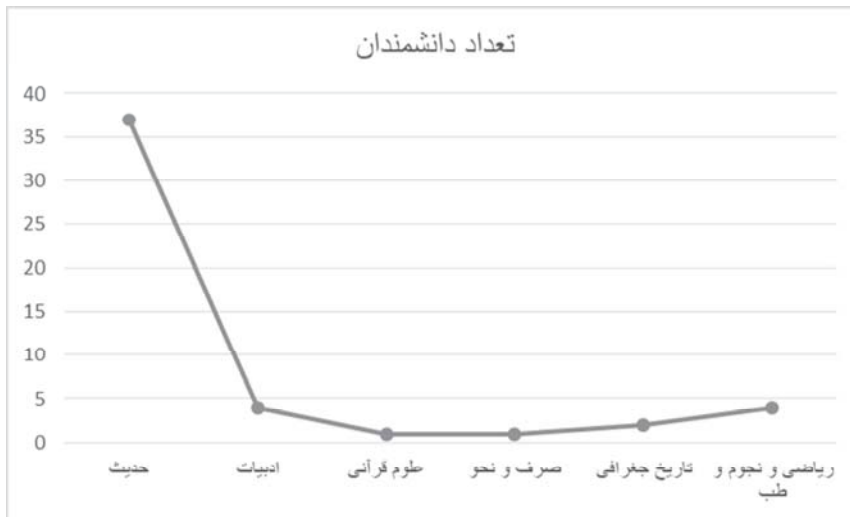
۶. نفیسی، *نظم و نثر در ایران تا پایان قرن دهم*، ج ۱، ص ۴۲.

۷. ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۴۴۷ و ۴۷۶.

- الحسن بن علی ابن ابی طالب الحسینی: ^۱ قرن ۶، وفات ۵۳۲، حدیث، وی در مسجد شرف‌الدین بلخ تدریس می‌کرده است. رحله به عراق داشته است.
- مکی بن ابراهیم بم بشیر فرقد: ^۲ قرن ۲۱۵، محدث، رحله به بغداد و نیشابور داشته است.
- عبدالله بن محمد بن علی البلخی الحافظ: ^۳ قرن ۴، وفات ۳۰۰، حدیث، رحله به نیشابور و بغداد داشته است.

جدول رشته‌های علمی و تعداد دانشمندان

تعداد دانشمندان	حوزه علمی
37	حدیث
4	ادبیات
1	علوم قرآنی
1	صرف و نحو
2	تاریخ جغرافی
4	ریاضی و نجوم و طب



بر طبق جدول، رشته حدیث، بیشترین تعداد گروندگان به این حوزه علمی را در بلخ در قرون ۳ تا ۶ هجری داشته است.

۱. واعظ بلخی، فضایل بلخ، ص ۳۵۱.

۲. الذهبی، تاریخ اسلام و وفیات و مشاهیر و الاعلام، ج ۱۵، ص ۴۱۷.

۳. همان، ج ۲۲، ص ۱۸۳.

جدول سفرهای علمی از مبدا بلخ و مقصد آن سایر شهرها

هرات	1
نیشابور	8
ماوراء النهر (سمرقند و خوارزم و بخارا و مرو)	5
حجاز (مکه و مدینه)	9
اصفهان	2
عراق (بغداد، بصره و کوفه)	32
ری	2
سوریه (شام و حلب)	11
بیت المقدس	4
مصر (قاهره و انطاکیه)	5
هند	1



بر طبق جدول، عراق شامل شهرهای بغداد و بصره و سایر شهرهای آن، همچنین سوریه شامل شام و حلب، حجاز و نیشابور - یکی از شهرهای ایران - بیشترین شهرهای اسلامی جهت سفرهای علمی به شمار می‌آمدند. حجاز و شهرهای مکه و مدینه و از جمله مسجدالنبی، از دیرباز و از زمان رسول اسلام ﷺ به عنوان پایگاه اولیه علم و آموزش در اسلام مطرح بوده‌اند. اگرچه در این قرون با شمار بسیاری از مراکز آموزشی از جمله مساجد جامع، مدارس، نظامیه‌ها و کتابخانه‌ها در شهرهای مختلف روبه‌رو هستیم اما در ذیل، مهم‌ترین مراکز علمی این شهرها به اختصار توضیح داده می‌شود. مساجد و نظامیه‌ها دو پایگاه مهم تعلیم و آموزش در قرون مورد نظر بوده‌اند و بیشترین سفرهایی که از جانب عالمان بلخی به شهرهای مختلف انجام می‌پذیرفته، به دلیل وجود این مکان‌های آموزشی بوده‌اند. دلیل این سفرهای علمی به سرزمین‌های دیگر را در سه عامل: ۱. مساجد به عنوان

پایگاه‌های علمی، ۲. کتابخانه‌های ارزشمند آنها، ۳. وجود نظامیها در شهرهای اسلامی، می‌توانیم جستجو کنیم.

۱. عراق

- **مسجد جامع منصور در بغداد:** این مسجد که آن را جامع‌المدینه و زمانی جامع‌العتیق می‌نامیدند، معروف‌ترین کانون فرهنگی در سده‌های میانه بود و برجسته‌ترین مدرسه و آرمان همه دانشمندان بود. در این مسجد، دانش حدیث، قرن‌ها رشته اصلی درس و مطالعه بود.^۱

- **مسجد جامع بصره:** این مسجد در قرن چهارم هجری بنا یافت. استادان معتزلی‌مذهب در لغت و نحو عربی، روش مخصوص به خود را داشتند و جاحظ (متوفی ۲۵۵ قمری)، ادیب معروف زبان عربی، در این مسجد جامع زندگی می‌کرد.^۲

در کنار این مساجد می‌توان به کتابخانه‌های ارزشمندی هم اشاره کرد که عامل مهمی برای سفرهای علمی دانشجویان و استفاده ایشان از منابع مهم مطالعاتی بوده است. دوره آل‌بویه یکی از دوران‌های درخشان عصر تأسیس کتابخانه در جوامع اسلامی - چه ایران و چه عراق - می‌باشد. در شهرهای مختلف ایران و عراق کتابخانه‌هایی وجود داشت که در هیچ زمانی نظیر آن به‌وجود نیامد.^۳

- **کتابخانه قزوینی در بغداد:** ابویوسف عبدالسلام بن محمد بن یوسف بن بندار قزوینی معتزلی در سال ۴۸۹، کتابخانه بزرگی در بغداد به نام خود تأسیس کرده بود.^۴

- **کتابخانه حبشی بن معزالدوله در بصره:** وی در قرن چهارم در بصره کتابخانه بزرگی ایجاد کرده بود که پانزده هزار جلد کتاب داشته است.^۵

- **کتابخانه‌های ابوعلی سوار:** یکی از کاتبان عضدالدوله دیلمی به نام ابوعلی سوار، کتابخانه‌ای در شهر رامهرمز و کتابخانه دیگری در بصره ایجاد کرد. در کتابخانه رامهرمز، بزرگان معتزله مشغول

۱. غنیمه، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ص ۷۲؛ ثواقب، سیر آموزش در میان مسلمین، ص ۱۱۵.

۲. غنیمه، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ص ۶۴؛ کسای، فرهنگ نهادهای آموزشی ایران از روزگار باستان تا تأسیس دولت صفوی، ص ۲۱۳؛ زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ص ۴۲۱ و ۴۹۲.

۳. کبیر، نظام دیوانی بویان (بالندگی فرهنگی در زمان بویان)، ص ۹۱؛ ایمانی‌فر، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در دوره آل‌بویه، ص ۲۶۱.

۴. همایون‌فرخ، کتاب و کتابخانه‌های شاهنشاهی ایران (تاریخچه کتابخانه‌های ایران از صدر اسلام تا عصر کنونی)، ج ۲، ص ۲۹.

۵. همان، ص ۶.

تدریس علم کلام به روش معتزله بودند.^۱

- **کتابخانه حیدریه در نجف:** یکی از کهن‌ترین و بزرگ‌ترین و مشهورترین کتابخانه‌های مساجد عراق، کتابخانه حیدریه مسجد جامع نجف بود. کتابخانه حیدریه که به نام‌های گوناگون الخزانة الغرویه، مکتب الصحن الشریف و خزانه کتب الامام علی علیه السلام معروف بود، ظاهراً در سده چهارم هجری ساخته شده است. مهم‌ترین فردی که نامش پیوند نزدیکی با کتابخانه حیدریه دارد، عضدالدوله دیلمی است.^۲

- **کتابخانه ابونصر شاپورین اردشیر دیلمی در بغداد:** در سال ۳۸۳ قمری، ابونصر شاپورین اردشیر، وزیر بهاءالدوله دیلمی، در محله کرخ بغداد، دارالعلم (دانشگاهی) ساخت و کتب زیادی بر آن وقف کرد.^۳

- **کتابخانه شیخ طوسی در بغداد:** شیخ طوسی در بغداد کتابخانه مهمی تأسیس کرد که اغلب منابع و مدارک فقهی و کلامی و سایر رشته‌های علوم اسلامی را دارا بود اما در سال ۴۴۹ هجری، در آتش‌سوزی محله کرخ بغداد از بین رفت.^۴

- **کتابخانه سیدرضی در بغداد:** سیدرضی در عهد بهاءالدوله دیلمی، در کنار مدرسه خود^۵ در بغداد، کتابخانه بزرگی با هشتاد هزار جلد کتاب دایر کرده بود که مجموعه‌ای شامل بالارزش‌ترین و مهم‌ترین مراجع و منابع عربی و اسلامی را تشکیل می‌داد.^۶

- **کتابخانه سیدمرتضی در بغداد:** این کتابخانه دارای هشتاد هزار جلد کتاب بوده است که

۱. ایمانی‌فر، *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در دوره آل بویه*، ص ۲۶۳.

۲. السباعی، *نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی*، ص ۱۲۴.

۳. همایون‌فرخ، *کتاب و کتابخانه‌های شاهنشاهی ایران (تاریخچه کتابخانه‌های ایران از صدر اسلام تا عصر کنونی)*، ج ۲، ص ۶.

۴. موسوی، *زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد*، ص ۲۸۲؛ ابن جوزی، *المنتظم فی التاریخ الامم و الملوک*، ج ۱۶، ص ۱۶.

۵. وی در نزدیکی خانه خویش در محله کرخ بغداد مدرسه‌ای تأسیس کرد و آن را دارالعلم نامید. این مدرسه ساختمان‌ها و تالارهایی برای تدریس، سخنرانی و محلی برای جلسات بحث و گفتگوهای علمی و اتاق‌هایی به‌عنوان خوابگاه دانشجویی داشت. سید رضی سرپرستی سه بخش مختلف مدرسه را خود بر عهده داشت و شخصاً به امور آن رسیدگی می‌کرد. تلاش او به این دلیل بود که دانشجویان با فراغ بال و آسودگی خاطر به درس خواندن مشغول باشند و به همین جهت تمام هزینه مدرسه و دانشجویان را خود، می‌پرداخت. (موسوی، *زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد*، ص ۱۶۷)

۶. ایمانی‌فر، *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در دوره آل بویه*، ص ۲۲۶؛ موسوی، *زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد*، ص ۱۶۷.

برخی از آنها را خود تألیف کرده بود.^۱

- **مدرسه عضدی در کربلا:** با آغاز حکومت آل بویه در ایران و عراق، مدارس شیعی نیز در بیشتر شهرهای اسلامی، به ویژه نقاط شیعه‌نشین، به سرعت تأسیس و گسترش یافت. کهن‌ترین مدرسه کربلا مدرسه عضدیه است.^۲

- **نظامیه بصره:** در کنار مسجد جامع بصره، می‌توان به نظامیه بصره هم اشاره کرد. تنها اطلاع ما از دو قرن تاریخ نظامیه بصره این است که به هنگام استیلای سیف‌الدوله بن صدقه بر بصره در سال ۴۹۹ هجری، عباسیان شهر بصره به مدرسه نظامیه پناهنده شدند.^۳

- **مدرسه نظامیه بغداد:** این مدرسه نظامیه، حدود شش هزار طلبه داشت که به تحصیل فقه، تفسیر، حدیث، نحو، لغت، ادبیات و فلسفه اشتغال داشتند. این مدرسه به کتابخانه و دارالشفای نیز مجهز بوده است.^۴

این چند نمونه از مساجد و مدارس و کتابخانه‌های موجود در عراق به ویژه شهر بغداد بود و این مسئله را مطرح می‌کند که چرا بغداد در این دوران از اهمیت خاصی به لحاظ علمی برخوردار بوده است؟ البته که می‌توان آن را در پرتو شرایط سیاسی این شهر دانست. بغداد در قرون چهارم و پنجم هجری صرف نظر از موقعیت سیاسی و اجتماعی آن، مهد فرهنگ و علوم اسلامی آن روز به شمار می‌رفت و بزرگترین فقها و دانشمندان مذاهب فقهی و اسلامی در این شهر به سر می‌بردند. تقریباً همه کاروان‌هایی که از خراسان به مکه می‌آمدند، از بغداد می‌گذشتند. با این کاروان‌ها بود که دانشمندان و دانشجویان مسافرت می‌کردند. دانشمندان و استادانی که با این کاروان‌ها راهی می‌شدند، با دانشمندان بومی مذاکره می‌کردند و برای تدریس دانشجویان، مجالس برپا می‌ساختند.^۵

۲. سوریه

- **مسجد جامع دمشق معروف به جامع بنی امیه:** از دیگر مساجد سوریه در شهر حلب می‌توان به مسجد جامع زکریا اشاره کرد. این مسجد در سال ۳۵۱ هجری دچار آتش‌سوزی شد. مسجد جامع‌الصالحین

۱. موسوی، *زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد*، ص ۱۷۲ و ۱۷۶.

۲. شهیدی صالحی، «مدرسه کربلا از آغاز تا آل بویه»، *مجله حوزه*، سال دوازدهم، ش ۷۲، ۱۳۷۳، ص ۱۶۱.

۳. کسایی، *مدارس نظامیه و تاثیرات علمی و اجتماعی آن*، ص ۲۳۲.

۴. الضوابطی، *پژوهشی در نظام طلبگی*، ص ۹۳.

۵. کسایی، *فرهنگ نهادهای آموزشی ایران از روزگار باستان تا تأسیس دولت صفوی*، ص ۲۴۰.

۶. ابن بطوطه، *رحله ابن بطوطه*، ص ۹۱؛ ابن جبیر، *سفرنامه ابن جبیر*، ص ۳۲۷ و ۳۳۳.

در سال ۴۷۹ هجری که توسط احمد بن ملک‌شاه، یکی از پادشاهان سلجوقی بنا شد و بعد از آن نیز جامع بنی‌حلب بود که در سال ۷۲۳ تأسیس گشت و از مهم‌ترین مراکز علمی این شهر محسوب می‌شد.^۱

۳. نیشابور

- **مدرسه نظامیه نیشابور:** این مدرسه جهت تدریس امام‌الحرمین، جوینی تأسیس شد. بنا بر دیدگاه نورالله کسائی، نظامیه نیشابور، از نظر تعداد معلمان و فقیهان مشهوری که به تعلیم و تعلم می‌پرداختند و همچنین از نظر کیفیت کار، بعد از نظامیه بغداد در درجه دوم قرار داشته است.^۲

۴. مصر

- **مسجد جامع‌الازهر:** بنای این جامع را جوهر کاتب سیسیلی، یکی از موالی و از سرداران المعز - خلیفه فاطمی - هم‌زمان با بنیاد شهر قاهره آغاز کرد و در سال ۳۶۱ قمری به پایان رسانید. رشد این مؤسسه علمی از زمان العزیز بود که در سال ۲۸۷ قمری و به فرمان او برنامه آموزشی جامع تنظیم گردید و هدایا و کمک‌های مالی را به استادان فقه جامع اختصاص داد و در مسجد جامع، خانه‌ای برای اقامت استادان فقه خریداری کرد.^۳

۵. اصفهان

- **مسجد جامع اصفهان:** بنا به گفته مافروخی - نویسنده کتاب *محاسن اصفهان* (متوفی ۴۲۱ هجری) - این مسجد نخست به وسیله عرب‌های دهکده تیران (۶۰ کیلومتری اصفهان) ساخته شده است و سپس در سال ۲۲۶ هجری - زمان المعتصم عباسی - ساختمان مسجد از نو بنیاد گردید. در زمان طغرل بیگ سلجوقی - ۴۴۲ هجری - خرابی زیادی به مسجد وارد شد و در سال ۴۴۴ هجری ترمیم یافت. مافروخی نوشته است که این مسجد کتابخانه بزرگی داشته که فهرست آن در سه مجلد بزرگ نوشته شده بود.^۴

- **نظامیه اصفهان:** نظامیه اصفهان به خاطر شرایط ممتازی که از حیث عالمان و دانشمندان آن و همچنین مؤسس آن خواجه نظام‌الملک داشت، به یکی از مراکز مهم علمی و مذهبی عصر سلجوقی

۱. کرد علی، *خطط الشام*، ج ۲، ص ۴۹؛ ابن جبیر، *سفرنامه ابن جبیر*، ص ۳۱۱.

۲. کسائی، *مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن*، ص ۸۶ و ۸۹؛ السبکی، *طبقات الشافعیه الکبری*، ص ۲۵۵.

۳. ابن تغری بردی، *حوادث الدهور فی مدی الایام و الشهور*، ج ۳، ص ۷۲۵.

۴. مافروخی، *محاسن اصفهان*، ص ۶۰؛ جابری انصاری، *تاریخ اصفهان و ری و همه جهان*، ص ۱۹۵.

تبدیل شد. نظامیه اصفهان همچنین کتابخانه عظیمی داشت و کتاب‌های ارزشمند آن مورد توجه دانشمندان و طالبان علم بود.^۱

۶. هند

- **مسجد قوت الاسلام دهلی:** در سال ۵۸۹ قمری، هنگامی که معزالدین غوری بخش‌های شمالی هندوستان را به تصرف خود درآورد، فرمان داد تا در محلی که پرستشگاه هندوان است، این مسجد را بنا کنند. قطب‌الدین آییک - سردار معروف و نایب‌السلطنه معزالدین در سال‌های میان ۵۷۲ الی ۵۷۶ هجری - فرمانروای شمال هند بود. وی پس از خراب کردن بیست‌وهفت پرستشگاه هندی، دستور داد تا از ستون‌ها و مصالح آنها مسجدی درست کنند. این مسجد به مسجد قوت الاسلام دهلی معروف است.^۲

نتیجه

شهر بلخ یکی از مراکز علمی ایران در قرون میانه ایران در قرون سوم تا ششم هجری بوده است. عالمان این شهر پس از اینکه در شهر بلخ، تحصیل دروس مقدماتی خود را سپری می‌کردند، برای تکمیل این مباحث به سفرهای علمی به سایر شهرهای اسلامی می‌رفتند. رحله‌ها یا سفرهای علمی امکان می‌داد تا دانشمندان و عالمان از اطلاعات علمی دیگر دانشمندان بهره‌مند شده و پس از مدتی در همان شهر کرسی تدریس یابند. استفاده از امکانات آموزشی نهادها و مراکز - از جمله مساجد، مدارس، کتابخانه‌های غنی و نظامیه‌هایی که در دیگر شهرهای اسلامی بودند - از عوامل مهم جذب طالبان علم به این شهرها بود. با بررسی تعدادی از عالمان بلخ در قرون مورد نظر این نتیجه حاصل شد که بیشترین سفرها، به عراق و شهرهای بغداد و بصره بوده است. نکته قابل توجه در محوریت مراکز آموزشی جهت سفرهای علمی دانشجویان، وجود شهرهای ایران از جمله نیشابور و اصفهان است و در ارتباط با آنها، نظامیه‌های این دوشهر به‌عنوان مرکز مهم علمی مدنظر است.

منابع و مأخذ

۱. ابن اثیر، علی بن محمد بن محمد، *اللباب فی التهذیب الأنساب*، قاهره، مکتبه القدسی، بی تا.

۲. ابن بطوطه، *رحلة ابن بطوطه*، بیروت، دارالصادر، ۱۳۸۴ ق / ۱۹۶۴ م.

۱. الإصفهانی، *خریفة القصر و جریفة العصر فی ذکر فضلا اهل اصفهان*، ص ۱۹۰ - ۱۸۹؛ مافروخی، *محاسن اصفهان*،

ص ۱۴۲؛ کسای، *مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن*، ص ۲۲۳.

۲. پروین جلالی، «مساجد شبه قاره هند»، *مجله هنر*، شماره ۳۳، ۱۳۷۶، ص ۱۹۷.

۳. ابن بطوطه، *سفرنامه ابن بطوطه*، ترجمه محمد علی موحد، تهران، نشر آگه، ۱۳۷۶.
۴. ابن تغری بردی، یوسف، *حوادث الدهور فی مدی الایام و الشهور*، بی جا، مدرسه الغه العربیه فی المدرسه الکلیه الکالیفورنیه، ۱۹۳۲ م.
۵. ابن جبیر، محمد بن احمد، *سفرنامه ابن جبیر*، ترجمه پرویز اتابکی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
۶. ابن جوزی، أبی الفرج عبدالرحمن بن علی، *المنتظم فی التاریخ الامم و الملوک*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۲ م.
۷. ابن حوقل، محمد بن حوقل، *صورة الارض*، بیروت، دارالصادر، ۱۹۳۸ ق.
۸. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، *الفهرست*، ترجمه رضا تجدد، تهران، چاپخانه بانک بازرگانی ایران، ۱۳۴۳.
۹. اشیولر، برتولد، *تاریخ ایران اسلامی در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه مریم میراحمدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹.
۱۰. اصطخری، ابواسحق ابراهیم، *المسالك و الممالک*، به اهتمام ایرج افشار، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.
۱۱. الإصفهانی، عمادالدین، *خریده القصر و جریده العصر فی ذکر فضلا اهل اصفهان*، تحقیق عدنان محمد آل طعمه، تهران، آینه میراث (مرآة التراث)، ۱۳۷۷.
۱۲. ایمانی فر، محمد، *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در دوره آل بویه*، بی جا، استهبان، ۱۳۸۹.
۱۳. ایمانی، مجتبی، *تاریخ فرهنگ اصفهان، مراکز تعلیم از صدر اسلام تا کنون*، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان، بی تا.
۱۴. البیهقی، احمد بن حسین بن علی، *تاریخ بیهقی*، به اهتمام علی اکبر فیاض، تهران، بی نا، ۱۳۵۰.
۱۵. باقی زاده، سعید، نقد و بازخوانی کتاب خراسان بزرگ، تاریخ، جغرافیا، باستان شناسی و فرهنگ مادی (مطالعاتی در تاریخ و فرهنگ خاورمیانه)، نوشته روکو رتته، *فصلنامه تاریخ پژوهی*، سال ۱۹، شماره ۷۰، ۱۳۹۶.
۱۶. تقی زاده، سید حسن، *تاریخ علوم در اسلام*، مجله مقالات و بررسی ها، شماره ۳، ۱۳۴۹.
۱۷. پروین، حسن و هادی جلالی، «مساجد شبه قاره هند»، *مجله هنر*، شماره ۳۳، ۱۳۷۶.

۱۸. التمیمی الحنظلی الرازی، ابی حاتم محمد بن ادريس، *الجرح و التعديل*، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۳۷۲ ق / ۱۹۵۲ م.
۱۹. ثواقب، جهانبخش، *سیر آموزش در میان مسلمین*، تهران، اسوه، ۱۳۸۱.
۲۰. جابری انصاری، حسن، *تاریخ اصفهان و ری و همه جهان*، اصفهان، روزنامه خسرو، ۱۳۳۱.
۲۱. الحاکم نیشابوری، ابو عبدالله، *تاریخ نیشابور*، ترجمه محمد بن حسین خلیفه نیشابوری، مقدمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، نشر آگه، ۱۳۷۵.
۲۲. الحسینی، أبی المحاسن شمس الدین محمد، *تهذیب الکمال فی اسماء الرجال*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
۲۳. حلبی، علی اصغر، *تاریخ تمدن در اسلام (بررسی هایی چند در فرهنگ و علوم عقلی اسلامی)*، تهران، اساطیر، ۱۳۸۳.
۲۴. الخطیب بغدادی، ابی بکر احمد بن علی، *تاریخ بغداد او مدینه السلام*، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا.
۲۵. الذهبی، شمس الدین ابی عبدالله محمد بن احمد بن عثمان، *تذکره الحفاظ*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ق.
۲۶. الذهبی، شمس الدین محمد بن عثمان، *تاریخ اسلام و وفیات و مشاهیر و الاعلام*، بیروت، بی تا.
۲۷. الذهبی، شمس الدین محمد بن عثمان، *سیر اعلام النبلاء*، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ ق.
۲۸. الذهبی، شمس الدین محمد بن عثمان، *دول الاسلام*، حیدرآباد دکن، دایرةالمعارف العثمانیه، ۱۳۶۴ ق.
۲۹. الذهبی، شمس الدین محمد بن عثمان، *دیوان الضعفا و المتروکین*، بیروت، دارالقلم، ۱۴۰۸ ق.
۳۰. راوندی، مرتضی، *سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
۳۱. روحی میرآبادی، علیرضا، «نهادهای آموزشی در خراسان عصر سلجوقی»، *مجله فقه و تاریخ تمدن ملل اسلامی*، شماره ۱ و ۲، ۱۳۸۳.
۳۲. زیدان، جرجی، *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۴ و ۱۳۶۹.
۳۳. السباعی، محمد مکی، *تاریخ کتابخانه های مساجد*، ترجمه محمد عباسپور، محمد جواد مهدوی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۱.

۳۴. السباعی، محمد مکی، *نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی*، ترجمه دکتر علی شکویی، تهران، سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳.
۳۵. السبکی، عبدالوهاب بن علی بن عبد الکافی، *طبقات الشافعیه الکبری*، تحقیق عبدالفتاح محمد الحلوی، محمود محمد الطناحی، قاهره، دار الاحیاء کتب العربیه، ۱۹۷۰ م.
۳۶. السمعانی التیمی، عبدالکریم بن محمد، *التحییر فی المعجم الکبیر*، بغداد، مطبعه الارشاد، احیاء التراث الاسلامی، ۱۳۹۵ ق / ۱۹۷۵ م.
۳۷. السیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، *طبقات الحفاظ*، القاهره، مطبعه الاستقلال الکبری، ۱۳۹۳ ق / ۱۹۷۳ م.
۳۸. شلبی، احمد، *تاریخ آموزش در اسلام*، ترجمه محمدحسین ساکت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱.
۳۹. شهیدی صالحی، عبدالحسین، «مدرسه کربلا از آغاز تا آل بویه»، *مجله حوزه*، سال دوازدهم، شماره ۷۲، ۱۳۷۳.
۴۰. الضوابطی، مهدی، *پژوهشی در نظام طلبگی*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹.
۴۱. عتبی، *تاریخ یمینی*، ترجمه ابوالشرف ناصح بن ظفر جرفادقانی، به اهتمام جعفر شعار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵.
۴۲. العسقلانی، ابی‌الفضل احمد بن علی بن حجر، *تهذیب التهذیب*، بیروت، دارالصادر، ۱۴۱۵ ق / ۱۹۹۵ م.
۴۳. عظیمی، محمدعظیم، *آشنایی با بناهای تاریخی افغانستان*، تهران، علم و دانش، ۱۳۹۱.
۴۴. غنیمه، عبدالرحیم، *تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی*، ترجمه نورالله کسایبی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
۴۵. فروزانی، ابوالقاسم، *سلجوقیان از آغاز تا فرجام*، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۳.
۴۶. کاتب خوارزمی، محمد بن احمد بن یوسف، *مفاتیح العلوم*، ترجمه حسین خدیوچم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.
۴۷. کبیر، مفیزالله، *نظام دیوانی بویان (بالندگی فرهنگی در زمان بویان)*، مجموعه مقالات بویان، گردآورنده: کلود کاهن، ترجمه عقوب آژند، تهران، مولی، ۱۳۸۴.
۴۸. کردعلی، محمد، *خطط الشام*، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۳۹۱ ق / ۱۸۷۱ م.

۴۹. کسایبی، نورالله، فرهنگ نهادهای آموزشی ایران از روزگار باستان تا تأسیس دولت صفوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
۵۰. کسایبی، نورالله، مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۸.
۵۱. لمبتون، ساختار درونی امپراتوری سلجوقی، تاریخ ایران کمبریج از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلیخانان، گردآورنده جی.آ. بویل، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶.
۵۲. مافروخی، مفضل بن سعد بن حسین، محاسن اصفهان، ترجمه حسین بن محمد بن ابی الرضا آوی، به اهتمام عباس اقبال، تهران، بی‌نا، ۱۳۲۸.
۵۳. محمد خلیق، صالح، ساحه‌های باستانی و بناهای تاریخی بلخ، بلخ، انجمن نویسندگان بلخ، ۱۳۹۴.
۵۴. موسوی، حسن، زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱.
۵۵. نخجوانی، هندوشاه صاحبی، تجارب السلف، به اهتمام امیر سیدحسین روضاتی، اصفهان، نشر نفایس مخطوطات اصفهان، ۱۳۶۱ / ۱۴۰۲ ق.
۵۶. نفیسی، سعید، نظم و ثور در ایران تا پایان قرن دهم، تهران، کتابفروشی فروغی، ۱۳۴۴.
۵۷. هدایت، محمود، گلزار جاویدان، تهران، چاپخانه زیبا، ۱۳۵۳.
۵۸. همایون‌فرخ، رکن‌الدین، کتاب و کتابخانه‌های شاهنشاهی ایران (تاریخچه کتابخانه‌های ایران از صدر اسلام تا عصر کنونی)، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۴۷.
۵۹. واعظ بلخی، ابوبکر عبدالله بن عمر بن محمد، فضایل بلخ، ترجمه عبدالله بن محمد بن محمد بن حسین بلخی، تصحیح عبدالحی حبیبی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۰.